



A Comparative Study of the Printed Divan of Zahir Faryabi Edited by Dr. Amir Hasan Yazdgerdi and the Oldest Manuscript of His Divan Preserved at the Astan Quds Razavi Manuscript Center

Seyedeh Ameneh Marashi

Manuscript Expert¹

Abstract

Purpose: Zahir Faryabi, one of the greatest poets of Iran in the 12th century A.D, occupies a prominent place in Persian literary history. This study undertakes a comparative examination of the printed edition of his Divan edited by Amir Hasan Yazdgerdi and the manuscript No. 11977 preserved in the Astane Quds Razavi Library, which—according to internal textual evidence—was transcribed during the poet’s lifetime.

The research highlights the codicological features of the manuscript, reveals lexical differences and deficiencies in the printed edition, and critically evaluates its footnotes, which proved unnecessary given the accessibility of older manuscripts worldwide. The exceptional value of manuscript No. 11977 is demonstrated by its antiquity, fidelity, and unaltered preservation of the original text, distinguishing it from other extant copies.

This study addresses three central questions: (1) What are the codicological characteristics of the manuscript Divan of Zahir? (2) Why have the multiple printed editions of his Divan failed to attract scholarly attention? (3) What lexical errors are found in the printed text?

Methodology: Employing a descriptive-analytical approach, the article examines the codicological features of the ancient manuscript and investigates distortions and editorial alterations that entered the printed text.

Findings and Results: The comparison between the oldest manuscript and the most recent printed edition exposes textual inaccuracies in the latter. It is noteworthy that all printed editions of Zahir’s Divan have thus far remained outside the horizon of literary scholarship due to negligence in selecting a reliable base manuscript, editorial haste, and lack of a rigorous critical method. The study further demonstrates that manuscript No. 11977, owing to its more accurate lexical choices and unique vocabulary, is among the most authoritative copies of the Divan. This conclusion is reinforced by cross-references to reliable sources such as *Lubab al-Albab*, *Nuzhat al-Majales*, and *Nafsat al-Maṣḍour*. Consequently, a revised critical edition based on this ancient and authentic manuscript is deemed essential.

Keywords: Zahir Faryabi, Divan of Zahir, manuscript of Zahir’s Divan No. 11977, manuscript center of Astane Gudse Razavi

“Received: 2025/02/24 | Accepted: 2025/09/07 | Available Online: 2026/02/07”

1. E-mail: seyedameneh.marashi@gmail.com



بررسی تطبیقی دیوان چاپی ظهیر فاریابی مصحح دکتر امیرحسین یزدگردی با کهن‌ترین نسخه خطی دیوان ظهیر در جهان محفوظ در مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی

آمنه مرعشی

کارشناس و پژوهشگر نسخ خطی^۱

چکیده

هدف: ظهیر فاریابی یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایران در قرن ششم هجری قمری است. بررسی تطبیقی دیوان این شاعر به تصحیح امیرحسین یزدگردی با نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ کتابخانه آستان قدس رضوی با هدف آشکار ساختن امتیازات نسخه‌ای است که به گواهی شواهد درون‌متنی، در زمان حیات شاعر کتابت شده است. این پژوهش ضمن بیان نسخه‌شناسانه دیوان خطی، تفاوت‌های واژگانی و کاستی‌های دیوان چاپی را آشکار می‌کند. پانویس‌های دیوان چاپی مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ زیرا نسخه‌بدل‌ها نگارنده را در دسترسی به نسخ کهن موجود در جهان بی‌نیاز نمود. نیز نفاست نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ به دلیل قدمت، امانت‌داری و دست‌نخورده‌گی متن اصلی، بر دیگر نسخ آن در جهان مشخص شد.

این پژوهش پاسخگوی سه پرسش است: ۱. ویژگی‌های نسخه‌شناسانه دیوان خطی ظهیر چیست؟ چرا چاپ‌های متعدد دیوان ظهیر مورد توجه صاحب‌نظران قرار نگرفته است؟ اشکالات و واژگانی ابیات دیوان چاپی کدام است؟ رویکرد پژوهش: در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی ویژگی‌های نسخه‌شناسانه دیوان کهن خطی را بیان نموده و به بررسی تحریفات و تصحیفات راه‌یافته به متن خواهیم پرداخت.

یافته‌ها و نتایج: در تطبیق دیوان کهن خطی با متأخرترین تصحیح دیوان ظهیر، لغزش‌های راه‌یافته به متن دیوان چاپی آشکار شد. گفتنی است تمامی دیوان‌های چاپی ظهیر تاکنون به دلیل مسامحه در برگزیدن نسخه اساس، شتاب‌زدگی و فقدان شیوه و اسلوب علمی تصحیح، چشم‌انداز ادب‌دوستان قرار نگرفته‌اند. همچنین مشخص شد که نسخه خطی به دلیل کتابت واژه‌های درست‌تر و دقیق‌تر و دارا بودن واژه‌های منحصر به فرد از معتبرترین نسخه‌های خطی دیوان ظهیر است. این مهم در تطبیق با کتب مستندی چون *لباب الالباب*، *نزهة المجالس* و *نفثة المصداور آشکارتر شد*. بنابراین تصحیح منقحی بر اساس نسخه کهن و اصیل شماره ۱۱۹۷۷ ضروری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ظهیر فاریابی، دیوان ظهیر، نسخه خطی دیوان ظهیر به شماره ۱۱۹۷۷، مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی.

«تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸»

مقدمه

کتابخانه آستان قدس رضوی با قدمتی دیرینه، سرشار از متون کهن گران بهاست. به طور خاص، ۲۵ نسخه دیوان شاعری از خط بلخ به نام ظهیر فاریابی در این کتابخانه وجود دارد. مطالعه بر روی این دیوان‌ها آشکار کرد که اصیل‌ترین نسخه خطی دیوان ظهیر در جهان موجود در کتابخانه آستان قدس به شماره ثبت ۱۱۹۷۷ می‌باشد.

ظهیرالدین فاریابی از شاعران بزرگ و قصیده‌سرایان قرن ششم هجری قمری که در جوانی برای تحصیل به نظامیه نیشابور رفت و شش سال در آنجا، مرکز علم و ادب خراسان، تحصیل نمود و در آنجا به دربار شاهان «عضدالدوله ابوبکر طغان شاه بن المؤید (آی آبه) و ناصرالدین ملک‌شاه بن تکش، حاکم نیشابور (۵۶۹-۵۸۱ ق) راه یافت» (جوینی، ۱۳۵۵: ۱۹). کدام قسمت نقل قول شده؟ داخل گیومه بیاید. جلد چند؟

او سپس به اصفهان و مازندران سفر نمود. در کتب تذکره چنین آمده که ظهیر در شهرهای نیشابور، خراسان و اصفهان مورد توجه ممدوحین خود قرار نگرفت و صلۀ درخوری دریافت نکرد. او سرانجام به آذربایجان، نزد قزل ارسلان رفت و قصایدی زیبا در مدحش سرود و مورد تفقد بسیار قرار گرفت.

جامی در روضه هفتم بهارستان درباره مقام ظهیر میان شاعران چنین گفته: «ظهیر فاریابی - رحمه الله تعالی - از مشاهیر جهان و از افاضل دوران، تمام دیوان او مطبوع و مقبول است؛ به لطافت و سلامت سخن او هیچ‌کس نیست. دیوان وی مشهور و اشعار وی بر زبان‌ها مذکور، در دوراتابک ابوبکر تربیت‌ها یافت. شبی در مجلس وی این رباعی بگفت:

ای ورد ملائکه دعای سر تو سر نیست زمانه را به جای سر تو
با دشمن تو نیام شمشیر تو گفت سر دل من باد قضای سر تو

سپس می‌گوید: «شعرای متقدم میان وی و انوری و ترجیح یکی بر دیگری اختلاف داشتند؛ چنانکه بعضی بر سبیل استفسار از بعضی چنین گفته‌اند:

ای آن زمین وقار که بر آسمان فضل ماه خجسته پیکر و خورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفته ظهیر ترجیح می‌کنند بر اشعار انوری
قومی دگر بر این سخن انکار می‌کنند فی الجمله در محل نزاع‌اند و داوری

(جامی، ۱۳۷۹: ۱۴۳-۱۴۴)

از قدر و منزلت ظهیر تذکره‌نویسان تعاریف بسیار کرده‌اند؛ چنانکه در تذکره دولت‌شاه ذکر طبقات شاعران چنین آمده: «و هو ظهیرالدین طاهر بن محمد الفاریابی به غایت فاضل و اهل بوده و در شاعری مرتبه عالی دارد؛ چنانکه بعضی اکابر و افاضل متفق‌اند که سخن او نازک‌تر از انوری است و بعضی قبول نکرده‌اند. بزرگان گفته‌اند: «دیوان ظهیر فاریابی/ در کعبه بدزد اگر بیابی» (سمرقندی، ۱۳۳۷: ۱۲۲-۱۲۸).

با همه این احوال ظهیر چنانکه شایسته شأن شاعری اوست، تاکنون شهرت و محبوبیت لازم را نیافته است.

۱. مصرع دوم بیت اول در بهارستان جامی، مانند لباب الالباب تحریف شده بود؛ لذا از نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ برگرفته شد.

بنا به گفته دکتر ذبیح الله صفا، ظهیر در تحول شعر فارسی نقش بزرگی داشته است. زبان و بیان بی پیرایه و روان و هموارش در غزل واسطه بین سبک خراسانی و عراقی است، چنانکه وی راه را برای ظهور سعدی هموار ساخت. (صفا، ۱۳۶۳: ۶۸). قسمتی که نقل کردید، داخل گیومه ببرید و جلد کتاب را هم ذکر کنید.

هیچ یک از تذکره نویسان سال دقیقی از تولد وی در دست ندارند و همگان گفته اند در حدود سال پانصد و پنجاه هجری قمری در فاریاب بلخ زاده شد^۱؛ خود در وصف زادگاهش چنین سروده است:

چون من از فاریاب، مسکن خویش سوی این مرتفع جناب رسم
چشم دارم که با بضاعت فضل از سخای تو در نصاب رسم
(ظهیر فاریابی: ۱۳۸۰، ۲۷۸)

شاعر اولین قصاید خویش را در ستایش عضدالدین طغانشاه بن آی آبه سرود و در آن از غم و اندوه و وداع با شهر نیشابور سخن گفت:

کراست زهره که با این دل ز صبر نفور درافکند سخنی از وداع نیشابور
حدیث هجر توان گفت با کسی که بود چو زلف یار مشوش چو چشم او مخمور
(این دو بیت فاقد ارجاع است)

در نقشه المصنوع نیز دو بیت از قصیده بلندبالای ملمعش در مدح ابوبکر بن محمد ایلدگز^۲ به مطلع زیر آمده است:

هُوَ الْعَيْدُ يَسْقَى بِكَأْسِ الْمُدَامِ هَنِئاً لِمَنْ فَاقَ كُلَّ الْأُنَامِ
بد اندیش را از تف قهر به جای عرق خون چکد از مسام
(زیدری، ۱۳۹۴: ۱۷۰)

ظهیر هم عصر شاعران بزرگی چون نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، مجیرالدین بیلقانی و جمال الدین اصفهانی بود. وی هر چند شاعری مدیحه سراست اما در اشعارش تنها مدح شاهان را نگفته، بلکه صفات اخلاقی پسندیده و دانش خویش را نمایان ساخته است. این شاعر چیره دست بنا به گفته اکثر تذکره نویسان به سال ۵۹۸ هجری قمری در تبریز درگذشت^۳ و در محله سرخاب تبریز در کنار خاقانی شروانی در مقبرة الشعراء به خاک سپرده شد.

۱. در لباب الالباب عوفی، آتشکده آذر، مجمع الفصحای هدایت، لطایف الطیف و مجالس النفایس زادگاهش را فاریاب بلخ گویند که هم اکنون نیز طبیعتی بسیار دل انگیز دارد.

۲. قصیده ملمع؛ نسخه شماره ۱۱۹۷۷ (گ. ۹، بیت ۷) با جمله «خَلَدَ اللَّهُ مَلِكَةً» در مدح ابوبکر بن محمد ایلدگز؛ نسخه کتابخانه مجلس، نسخه شماره ۱۶۰۴۲ بیت مطلع: «هی العید یسقی...» است که «هی» در حاشیه تصحیح شده است.

۳. حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده، دولت شاه سمرقندی در تذکره الشعراء، رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحای و صاحب روضات الجنات، وفات وی را به سال ۵۹۸ هجری قمری دانسته اند.

پیشینه پژوهش

دیوان ظهیرفاریابی از حدود یک قرن و اندی پیش اولین بار در هند به سال ۱۲۶۸ ق. و بار دوم در همانجا به سال ۱۲۹۴ ق.^۱ به چاپ رسید. در ایران نیز اولین بار در سال ۱۳۲۴ ق. به چاپ سنگی رسید. دیوان این شاعر بارها و هر بار بر اساس یک یا دو نسخه از گوشه و کنار ایران و جهان به صورت غیر اصولی و شتاب زده تصحیح شده و متأسفانه هر بار بیشتر از قبل اشتباهات فراوانی به متن راه پیدا کرده است. درباره چاپ سنگی تصحیح موسی انصاری، تقی بینش پس از تقدیر زحماتش چنین گفته است: «نهایتاً از نظر صحت و اصالت اشعار بی قدر است و بی احتیاطی‌ها و سهل انگاری‌ها در سراسر دیوان نمایان است» (بینش، ۱۳۳۷: ۱۰-۱۱).

دیوان ظهیر سال ۱۳۳۷ ش. به تصحیح تقی بینش با مقابله ۲ نسخه چاپ سنگی و ۸ نسخه خطی و ۳ نسخه (خطی و عکسی) از دیوان شمس طبسی به انجام رسید.^۲ مهم‌ترین کار تقی بینش مقابله اشعار الحاقی بود که اشتباهات آن زمان وارد دیوان ظهیر شده بود. وی در این باره چنین گفته: «نسخه چاپ سنگی دیوان ظهیر به تصحیح موسی انصاری مجموعه‌ای از اشعار شمس طبسی و ظهیر فاریابی است». به گفته وی حتی برخی اشعار دیوان ظهیر تخلص «شمس» داشته‌اند (بینش، ۱۳۳۷: ۱۰-۱۷).

تصحیح تقی بینش از دیوان ظهیر آنچنان که باید شناخته نشد اما حقیقتاً او از مصححین بعد خود، کاری ارزنده‌تر به انجام رساند. و بعدتر مجدالدین کیوانی درباره تصحیح بینش، تحقیق نموده است.^۳ تصحیح هاشم رضی در سال ۱۳۴۱ ش به شیوه و اسلوب علمی انجام نشد و تصحیح محسن آثارجوی بر اساس دو نسخه کتابخانه مجلس به شماره ثبت‌های ۲۴۶۰ و ۱۳۴۳۵ و نسخه چاپ سنگی موسی انصاری، پراز خلط اشعار ظهیر فاریابی، شمس طبسی و ظهیر اصفهانی است (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۲۴)!

و در نهایت به گفته وی در تصحیح بهداروند به گفته مجدالدین کیوانی، تماماً کپی‌کاری شده^۴ و بسیاری از دوباره‌کاری‌هایی که این روزها ویرایش می‌شود، جز مسخ و مثله کردن صورت اول متن نیست. به‌رحال به جز کار تقی بینش، همه این تصحیح‌ها به شیوه غیر علمی است اما آخرین تصحیح از امیرحسین یزدگردی به کوشش دکتر اصغر دادبه پس از فوت استاد در سال ۱۳۸۱ ش. به شیوه و اسلوب علمی به چاپ رسید. هرچند این دیوان به شیوه علمی تصحیح شد، متأسفانه لغزش‌های بسیاری به متن راه یافت. به همین دلیل مورد انتقاد پژوهشگران قرار گرفت و مقالات زیادی درباره اشکالات وارده بر این تصحیح نوشته شده است. قدیمی‌ترین پژوهش غیر منتقدانه

۱. این تصحیح را قاضی محمد علیم به چاپ سنگی رساند اما آنچه بر حواشی دیوان‌ها نوشته شد، ارزشمندتر از متن دیوان است.
۲. نسخ تقی بینش: مصحح موسی انصاری با رمز (چ)؛ مصحح قاضی محمد علیم با رمز (چه)؛ پنج نسخه از آستان قدس؛ دو نسخه از محمود فرخ؛ نسخه آقای کشاورز؛ ۳ نسخه دیوان شمس طبسی؛ نسخه ملک با شماره ۵۳۰۷.
۳. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. مجدالدین کیوانی، «تصحیح یا تخریب» در گزارش میراث، ۲ (زمستان، ۱۳۹۱)، صص ۱۱۴-۱۱۹.
۴. برای آگاهی از کیفیت تصحیح وی به مقاله «تصحیح یا تخریب» مراجعه شود.

را گلشائیان^۱، وزیر اقتصاد دوره پهلوی، نوشت. از مقالات منتقدانه یکی «اشعار تازه یافته از ظهیرالدین فاریابی»^۲ است. نویسنده پس از تعریف و تمجید مصحح می‌گوید: «انتظار نداشتیم که مصحح نشئه المصدور چنین و چنان کند؛ چرا او قصایدی که به طور حتم از ظهیر بوده، در دیوانش نیاورده و الحاقات را آورده؟» وی اشعار مستندی از دیوان ظهیر به نقل از تاریخ‌گزیده در مقاله خویش ارائه کرده است.

در مقاله «تأملی در متن دیوان ظهیرالدین فاریابی»^۳ نویسنده اشعار ظهیر را با توجه به اشکالات نسخه اساس از دید عروزی بررسی کرده است. مقاله «خوب است ولی بهتر ازین بایستی»^۴ نویسنده از ملحقات شعری دیوان چاپی مصحح یزدگردی سخن گفته و اشاره کرده که در خلاصه الأشعار تقی‌الدین کاشی شخصی به نام شمس‌الدین ورکانی، شاگرد ظهیر، اشعارش با اشعار ظهیر درهم آمیخته است.

مقاله «دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز»^۵ که نویسنده آن، دیوان ظهیر را از مجموعه خطی سفینه تبریز برگزیده است و پیرامون آن پژوهش کرده است. البته ایرج افشار قبل از وی، مقاله‌ای در نامه بهارستان در اهمیت دیوان خطی ظهیر در مجموعه سفینه تبریز نوشته‌اند.

مقاله‌ای با عنوان «تأملی در تصحیح دکتر امیرحسن یزدگردی از دیوان ظهیر فاریابی با تکیه بر نسخه حکیم اوغلو»^۶ نوشته شده که دو نویسنده این مقاله عقیده دارند که به دلیل استفاده نکردن مصحح از نسخ قدیمی، اشکالاتی به دیوان ظهیر راه یافته است اما نگارنده این سطور می‌گوید که این سخن نادرست است؛ چراکه یزدگردی از شش نسخه مورخ خطی کهن استفاده کرده است و مشکلات دیوان چاپی، تاریخ کتابت نیست بلکه اشتباهات واژگانی و تایپی و لغزش‌های راه یافته متنی و ملحقات شعری است که تقی‌بینش پیش‌تر و بیش‌تر از همه بدان پرداخته بود و ایشان نادیده گرفتند (بینش، ۱۳۳۷: ۱۶-۱۷).

ویژگی‌های نسخه‌شناسانه دیوان خطی ظهیر

این نسخه نفیس با شماره ثبت ۱۱۹۷۷ و با عنوان دیوان ظهیر فاریابی در مرکز نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

۱. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. عباسقلی گلشائیان، «تحقیق در شرح حال ظهیرالدین فاریابی» در یغما، ۲۴ (اردیبهشت ۱۳۲۹)، صص ۹۶-۱۰۲.

۲. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. مسعود تاکی، «اشعار تازه یافته از ظهیرالدین فاریابی» در کتاب ماه ادبیات، ۱۴۰ (خرداد ۱۳۸۸)، صص ۴۴-۴۶.

۳. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. رضا سمیع‌زاده، «تأملی در دیوان ظهیر» در نامه فرهنگستان، ۱ (فروردین ۱۳۹۷)، صص ۱۱۴-۱۴۲.

۴. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. سیدعلی میرافضلی، «خوب است ولی بهتر ازین بایستی» در نشر دانش، ۱۰۲ (پاییز ۱۳۸۱)، صص ۴۵.

۵. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. حسین جلال‌پور، «دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز»، در متن‌شناسی ادب فارسی، ۲۵ (بهار ۱۳۹۴)، صص ۹۳-۱۱۴.

۶. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. ایرج افشار، «نسخه برگردان سفینه تبریز» در نامه بهارستان، ۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، صص ۸۸-۹۸.

۷. برای اطلاع بیشتر: ر.ک. علیرضا شانظری و قاسم سالاری، «تأملی در تصحیح دکتر امیرحسن یزدگردی از دیوان ظهیر فاریابی با تکیه بر نسخه حکیم اوغلو»، در متن‌شناسی ادب فارسی، ۵۹ (مهر ۱۴۰۲)، صص ۷۳-۸۸.

خط آن نسخ کهن (خوانا)، ۱۵ سطری و اوراق را کاتب با مسطر، سطر بندی درست کرده، کتابت بر روی سطور کاملاً رعایت شده و ابعاد نسخه ۱۴/۵×۲۰/۳ cm می باشد. این نسخه دارای ۸۸ برگ (۸ برگ بیاض) با اشعار دوستونی بدون رعایت تهجی قافیه، کاغذ نخودی، عناوین به خط نسخ و شنگرف (مشکول) که نام ممدوحین با ذکر جملات دعایی (عربی) با شنگرفی جلی کتابت شده (این ویژگی در هیچ نسخه از دیوان های وی دیده نشد)، کاتب در مقطع ابیات چهار نقطه شنگرفی در طرفین آورده و جلد نسخه تیماج عنابی و اندکی آسیب دیده است.

این نسخه خطی با شمارش تک تک ابیات، در کل دارای ۲۴۲۰ بیت است که از آن ها ۵۸ قصیده، ۶۵ قطعه^۱؛ ۳۸ رباعی؛ ۲ ترکیب بند؛ ۲ ملمع؛ ۲ هجو (۲ قطعه ۵ بیتی و ۴ بیتی)؛ ۲ مطایبه (۲ بیتی) و ۱ مثنوی است و ده غزل دیوان ظهیر از تصحیح یزدگردی را ندارد.

وجه مشترک نسخه شماره ۱۱۹۷۷ و نسخه اساس تصحیح یزدگردی با شماره ۲۶۵۵ موجود در مجموعه اسعد افندی این است که هر دو فاقد دیباچه منثورند. به گفته حمدالله مستوفی، شمس الدین کاشی (م: ۶۰۲ قمری)، چهار سال پس از مرگ شاعر آن را نوشت. بر اساس پژوهش های اخیر^۲ و نظر اکثر تذکره نویسان، نخستین کسی که بر دیوان ظهیر مقدمه نوشت، شمس الدین طاهر سجاسی در نیمه دوم قرن ششم هجری قمری است و نه شمس الدین کاشی که یک قرن پس از ظهیر می زیسته است^۳ (افشین وفایی: ۱۳۶۹). شماره صفحه ندارد.

مهم ترین ویژگی نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷، تاریخ کتابت آن است. مالک نسخه (درون لت اول جلد) گفته است: «محمد ملک الواعظین فرزند مرحوم زین العابدین ملک الواعظین، تاریخ کتابت نسخه به احتمال قریب به یقین به قبل از سال ۶۰۷ هجری قمری می رسد». این مطلب را ایشان با توجه به شواهد عینی و کاتب آگاه و باسواد نسخه می داند که در عناوین یک قصیده و نیز یک قطعه ابوبکر بن محمد ایلدگز را با جمله دعایی خلد الله ملکه ستایش کرده است (نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷: گ. ۱۴. پ. و گ. ۶۵. پ.).

همچنین او کسانی را که در قید حیات نیستند، با جملات دعایی مانند نور الله ضریحه، نور الله مضجع، نور الله مرقده، برّ الله مضجع و رحمه الله ستایش کرده است. با این اوصاف، نتیجه می گیریم چون ممدوح ظهیر، ابوبکر بن محمد قزل ارسلان، در زمان کتابت نسخه در قید حیات بوده و وی ۹ سال پس از مرگ ظهیر در سال ۶۰۷ هجری قمری. درگذشته است، پس کتابت نسخه در این فاصله زمانی ۹ ساله باشد و این نیز محتمل است که در زمان حیات ظهیر یعنی سال ۵۹۷ قمری کتابت شده باشد؛ بنابراین یکی از امتیازات نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷، تاریخ کتابت نسخه قبل از تاریخ کتابت نخستین جامع اشعارش، شمس الدین طاهر سجاسی (م: ۶۰۲ ق.)، است که ۴ سال پس از فوت ظهیر جمع آوری کرده است (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۹: ۳۶۹).

۱. دو مطایبه، دو هجو و یک مثنوی در بین قطعات نسخه خطی ۱۱۹۷۷ موجود بود که در شمارش کل ابیات، از قطعات دیوانش جدا شد.
 ۲. برای اطلاع بیشتر: ر. ک. محمد افشین وفایی، «پژوهشی در آثار و احوال شمس سجاسی بر اساس منشآت منتشر نشده او»، در آینه میراث، ۵۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، صص ۹-۳۲.
 ۳. در تذکره های مشهوری چون نزهة القلوب، هفت اقلیم (ج ۲)، دقایق الشعر، عرفات العاشقین اوحدی بلیانی (ج ۴) و دیگر تذکره ها، جامع دیوان ظهیر و مقدمه منثورش شمس الدین محمد طاهر سجاسی ذکر شده است.

همچنین نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ از سوی واقف جناب سید جلال‌الدین تهرانی از فرزند مرحوم ملک الواعظین خریداری شده و ایشان در مردادماه ۱۳۶۱ ش. آن را وقف کتابخانه آستان قدس رضوی کردند و متن یادداشت محمد ملک الواعظین را این چنین تأیید نمودند:

۹۲ مطابق «محمد» است. از جناب آقای حاج آقا محمد فرزند مرحوم ملک الواعظین است که از دوستان گرامی [بنده] می‌باشد که یادداشت‌هایی ترقیم داشته‌اند و این کتاب را در سال ۱۳۴۵ با یک قلمدان فروخته‌اند. در نهم دی ماه ۱۳۴۵ شمسی در طهران ابتیاع گردید؛ این از نسخ نفیسه است که در اواخر قرن ششم تحریر گردیده است، سید جلال‌الدین تهرانی.

از آغاز نسخه شماره ۱۱۹۷۷ یازده بیت افتاده که در دو برگ جداگانه از عطف جلد نونویسی و کسرنویسی شده است که بیت مطلع آن از این قرار است:

چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ / زمانه بر کند [نیز کند] ناله مرا آهنگ^۱

برخی واژه‌های این دیوان بر اثر گذر زمان و سایش دست کمرنگ شده و بعدها تیره شده؛ مانند: «بویکر و عثمان» (گ. ۳۷. پ) نیز یک برگ از ترکیب‌بندی در میانه نسخه (برابر با ترکیب‌بند شماره ۲ دیوان چاپی، ص ۲۳۵) افتاده است (گ. ۷. خطی) و در نتیجه از بندهای ترکیب‌بند فقط ۳ بیت از اول بند یک را دارا می‌باشد و ۳ بند بعدی افتاده است و در ادامه، بیت ترکیب آمده است که به این صورت است:

که مه و مهر زیر دامن تست / نام و ننگ جهان به گردن توست

و بعد از آن، تابت ترکیب: «تخت را چون تو به نشینی نیست/ بر تو دیهیم را گزینی نیست» را دارا است. گفتنی است در دیوان چاپی، بیت ترکیب اشتباهاً (با وجود قافیه همسان) در درون ابیات دیگر ترکیب‌بند قرار داده نشده و با آخرین بیت ترکیب‌بند نسخه خطی (مطابق ترکیب‌بند شماره ۲ دیوان چاپی) برابر بوده که به این صورت است:

خطبه و سکه ممالک را / نام و القاب تو همایون باد^۲

آغاز نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷، دوازدهمین بیت قصیده‌ای است که به این صورت است:

به پیش خسرو روی زمین برآرم بانگ / چنانک در خم گردون فتد غریو و غرنگ^۳

در مطلع قصیده آغازین «چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ/ زمانه بر کند [نیز کند] ناله مرا آهنگ» مرمت‌کننده قطعاتی از اوراق ابیات نسخه را در برگ بدرقه وصال و الصاق نموده که متضمن واژه‌های (بانگ، چنانک، در خم گردون،

۱. گفتنی است که بیشتر نسخ خطی دواوین ظهیر با همین قصیده آغاز شده است. همچنین بیت «چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ/ زمانه بر کند [نیز کند] ناله مرا آهنگ»، در نسخه‌ها شش گونه کتابت شده (بر کند - برکنند - تیز کند - تیر کند - نیز کند) (فهرستگان فنخا، ۵۴۴/۱۵).

۲. در مقابله دیوان چاپی با خطی افتادگی ترکیب‌بند مشخص شد.

۳. در بررسی ۲۵ نسخه خطی دیگر از دیوان‌های ظهیر موجود در کتابخانه آستان قدس مشخص شد ۵ نسخه به شماره‌های (۱۵۹۲۲ و ۴۹۳۸۳ و ۱۶۰۲۴ و ۱۶۳۴۶ و ۱۰۳۷۰/۱) آغازشان با نسخه شماره ۱۱۹۷۷ یکی است.

طغرل و ...) است که معلوم می‌شود مطابق اولین قصیده نسخه این دیوان است و فقط ۱۱ بیت از اول آن کسر دارد و آن هم نونویسی و کسرنویسی شده است. انجام نسخه به این صورت است:

خوردم غم عشقت دگرم می‌باید و اندوه و غمت در جگرم می‌باید
دا [دردا] که تو مطربی و آن کرد مرا عشق تو که صد نوحه‌گرم می‌باید

از امتیازات مهم این نسخه، آگاهی کاتب به زبان فارسی و عربی و امانت‌داری در کتابت واژگان است. این نسخه نه تنها در رسا بودن معانی، بلکه از جهت املائی هم صحیح‌تر از کتب تذکره‌نویسانی چون عوفی است؛ برای مثال این بیت در لباب‌الالباب به این صورت آمده است:

به دشت جانوری خار می‌خورد غافل تو تیز می‌کنی از بهر سلب او ساطور
(عوفی، ۱۳۸۸: ۴۵۸)

که در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ کلمه مشخص شده به صورت «صلب» آمده است (گ. ۴۷، بیت ۱۰) و این کلمه به معنی «استخوان ستون فقرات» و صحیح است و واژه «سلب» در لباب‌الالباب کاملاً نادرست است. در انتها باید گفت که در برگ بدرقه پایانی نسخه خطی، قصیده‌ای از فرزند مرحوم ملک الواعظین مرقوم شده است که بنا بر یادداشت سید جلال‌الدین تهرانی بعد از آزادی زنان در ۹ دی ۱۳۴۵ شمسی سروده شده است. مضمون این قصیده ۱۱ بیتی، به دور از ادب و نزاکت است و بعضی از ابیات آن، این است:

یکی از جمله اثاث‌البیت زن بود نزد مرد دانشمند
کایزد آن را به صورت انسان خلق فرمود بهر سرّی چند

بحثی در تصحیف و تحریف نسخ خطی کهن

در این پژوهش، پیش از تطبیق واژگانی ابیات دواوین، به تعریف دو اصطلاح فنی تحریف و تصحیف می‌پردازیم. نجیب مایل‌هروی حروف متحدالشکل زبان فارسی را، دلیل خوانش‌های نادرست کاتبان دانسته و در تعریف تصحیف و تحریف نسخ خطی کهن چنین می‌گوید:

شباهت و ماندگی در حروف فارسی و نیز نقص خط، از عواملی است که به نوعی بر تصرف ناآگاهانه کاتبان دامن زده است که اهل فن از آن به عنوان تصحیف و تحریف تعبیر می‌کنند؛ اولی عبارت است از تغییر دادن کلمه با کاستن و افزودن نقطه‌های آن و دومی تبدیل کردن کلمه است با تغییر دادن حرف از حروف آن (مایل‌هروی، ۱۳۶۹: ۸۱).

عوفی در مقدمه لباب‌الالباب بیتی از نظامی گنجوی آورده و درباره تحریف واژه‌ها این مثال را آورده است:

بر نخ عمر بسر بردی خوش دوزخی ناشده رفتی به بهشت

که درستش چنین است:

برزخ عمر بسر بردی خوش دوزخی ناشده رفتی به بهشت

(عوفی، ۱۳۸۸: ۳)

در اینجا واژه «برزخ» به «برنج» تحریف شده و حروف تغییر کرده، نه نقطه‌ها؛ بنابراین می‌گوییم که در تحریف، حروف واژگان دگرگون می‌شود و در تصحیف، نقطه‌های آن‌ها تغییر می‌کند.

اعتبارسنجی نسخه خطی دیوان ظهیر در مقابله با کتب معتبر

تطبیق دو کتاب معتبر و تأیید اصالت نسخه دیوان خطی نسخه شماره ۱۱۹۷۷:

۱. نزهة المجالس خلیل شروانی:

سرتیز چو خار باش تا یار چو گل گه در بر و گاه در کنارت باشد

(نزهة المجالس، ۱۳۷۵: ۲۵۰)

که در نسخه شماره ۱۱۹۷۷ چنین آمده است:

سرتیز چو خار باش تا یار چو گل گه در دل و گاه در کنارت باشد

(دیوان خطی، گ. ۸۷ پ.)

در دیوان خطی واژه «دل» به جای «بر» آمده و دور از تحریف است اما در نزهة المجالس، «گه در بر و گاه در کنارت باشد»، به منطق زبانی شعر آسیب رسیده؛ چراکه واژگان «بر» و «کنار» در معنی یکسان اند.

۲. لباب الالباب عوفی:

شاهاز تو کار ملک و دین بانسق است وز عدل تو جان ظلم و فتنه رمق است

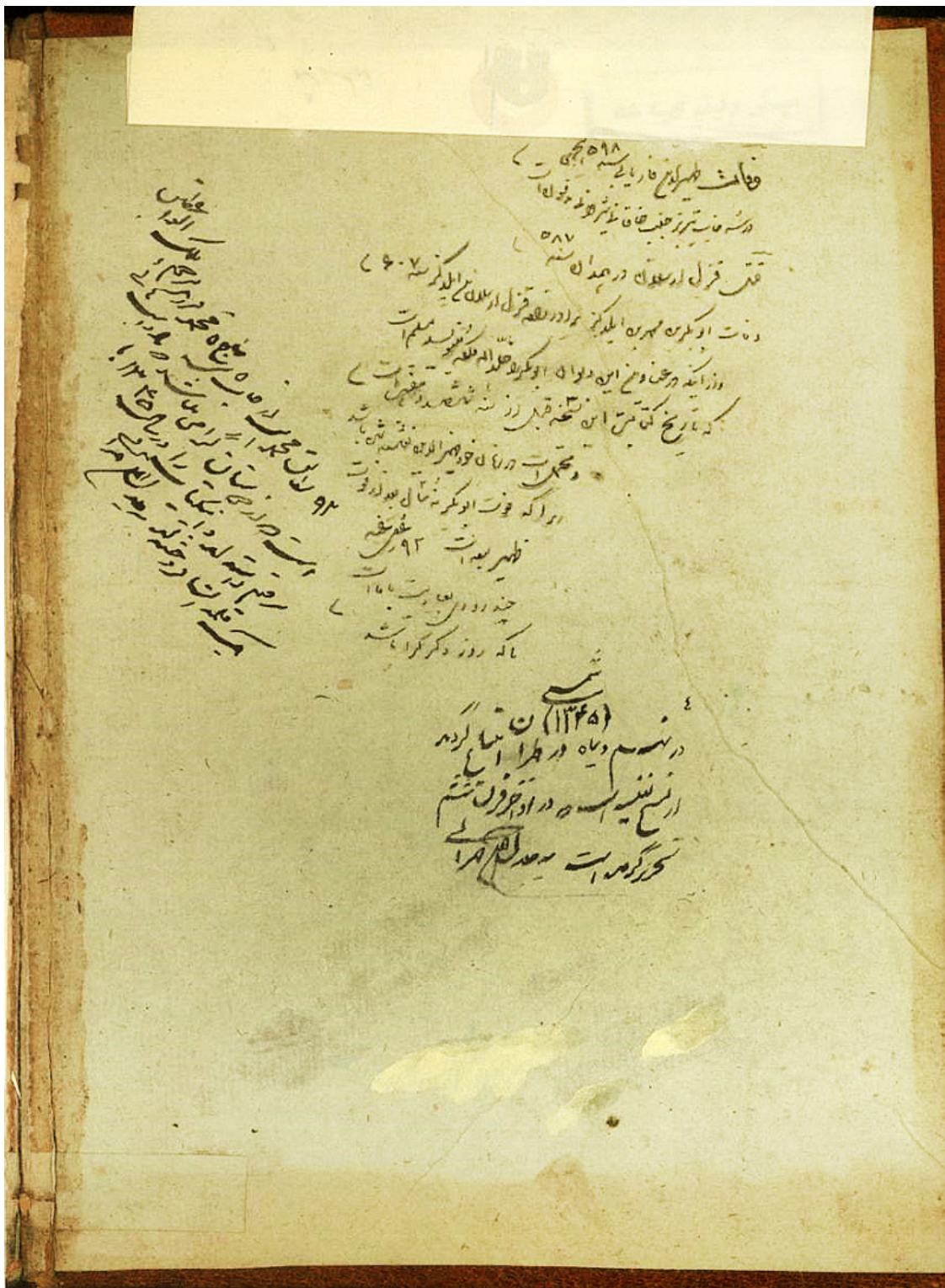
(لباب الالباب، ۱۳۸۹: ۴۵۷)

که در نسخه شماره ۱۱۹۷۷ چنین آمده است:

شاهاز تو کار ملک و دین بانسق است دریا ز خجالت گفت در عرق است

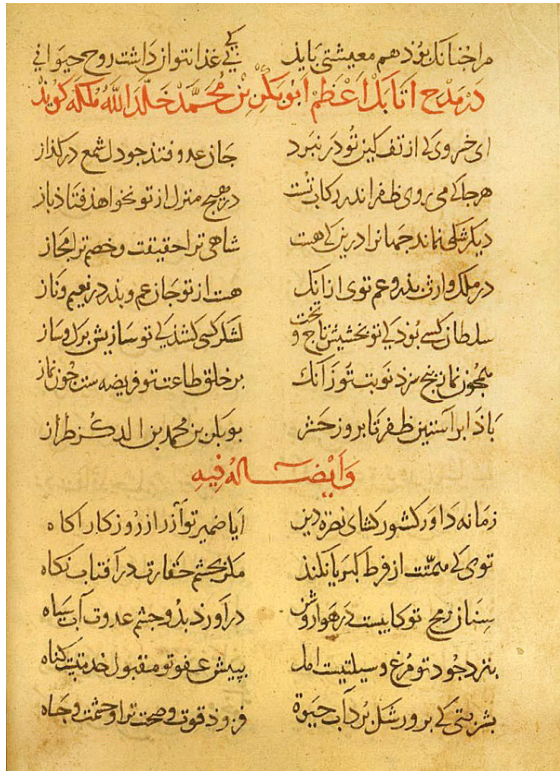
(دیوان خطی، گ. ۸۵ پ. رباعی پنجم)

در لباب الالباب مصرع دوم بیت اول بنا بر ذوق و قریحه کاتبان کلاً تحریف شده است. علاوه بر این که عوفی، لباب الالباب خود را در سال ۶۱۸ قمری تألیف نموده و احتمال خطا و تحریف متن زیاد است. آشکار است این ضبط، ضعف بلاغی دارد و در مقابل ضبط نسخه شماره ۱۱۹۷۷، تا چه اندازه تصویرسازی ذهنی و تشبیهات آشکار و پنهان در تحریف، نیست شده است.



تصویر شماره ۱.

یادداشت‌های مالک نسخه محمد ملک الواعظین و واقف
مبنی بر قدمت تاریخ کتابت نسخه (درون لت اول جلد)



تصویر شماره ۲.

قصیده عربی با جمله دعائی خَلَدَ اللهُ مُلْكَهُ در نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۹۷۷ (برگ ۱۴ پ.ب).

ویژگی‌ها و کاستی‌های دیوان چاپی در مقایسه با نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷

دیوان ظهیر به تصحیح امیرحسن یزدگردی به شیوه و اسلوب علمی تصحیح شده و دارای ۲ بخش است؛ بخش اول شرح حال یزدگردی از اصغر دادبه است و سپس مقدمه جامع دیوان از شمس سجاسی و انواع اشعار ظهیر آمده است. بخش دوم در ۶ فصل است و زندگی ظهیر، کیفیت تصحیح دیوان ظهیر، معرفی نسخ خطی دیوان ظهیر و... را در برمی‌گیرد. در اینجا با وجودی که زحمات فراوان یزدگردی را ارج می‌نهیم اما باید گفت متأسفانه نسخه اساس ایشان، نسخه اسعد افندی با شماره ثبت ۲۶۵۵، دارای اشکالات زیادی بوده که ایشان به گفته خودشان نسخه اسعد افندی را به دلیل قدمت نسخه اساس قرار دادند. باید گفت که این نسخه، فقط همین شاخصه مثبت را نسبت به نسخه‌های دیگر دارد. یزدگردی در کیفیت تصحیح گفته است:

۱. این نسخه به شماره ثبت ۲۶۵۵ و آغاز آن با قصیده‌ای به مطلع «سپیده دم که صبا مژده بهار دهد/ دم هوا مژده نافه تتر دهد» است. کاتب این نسخه، محمد بن محمد بن محمد شرف‌العربی ابوه (گویا عرب نژاد بوده و در کتابت نسخه تسریع نموده) است. کتابت نسخه به خط ترکیبی (نسخ، تعلیق و نستعلیق) و در تاریخ ۷۱۷ ق. صورت گرفته است. جداول سرخ‌رنگ نسخه، نامرتب است و با مسطر جدول بندی نشده و ۲ کتیبه به زر پست متقابلا در برگ‌های آغازین آن وجود دارد.

بررسی تطبیقی دیوان چاپی ظهیر فاریابی مصحح دکتر امیرحسن یزدگردی با کهن‌ترین نسخه ...

نسخه اسعد افندی قدیمی‌ترین است. جز در مواردی که صریحاً غلط می‌نمود؛ نسخه اساس و معتمد قرار گرفت و با پنج نسخه اصلی یونیورسیتته (به رمز یو)، دکتر بیانی (به رمز بی)، (یونیورسیتته به رمز یو ۲)، (پاریس به رمز پا)، (بریتیش میوزیوم به رمز بم) مقابله گردیده و همه اختلافات این نسخ پنج‌گانه جز در مواردی که غلطی صریح و بین به نظر می‌رسید، نموده شد (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۳۷۵).

البته ایشان گفته‌اند آنچه در حواشی تصحیح نوشته شده بر خود نسخه، مرجح است! گفتنی است که هیچ نسخه خطی خالی از اشتباه نیست. نسخه شماره ۱۱۹۷۷ نیز اغلاطی دارد اما این اغلاط در مقابل اشکالات فراوان دیوان چاپی ناچیز است. یزدگردی در بخش دوم دیوان ظهیر در کیفیت تصحیح خویش گفته‌اند که از ۱۴ نسخه (۶ نسخه اصلی و ۸ نسخه فرعی) بهره برده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. نسخه شماره ۲۶۵۵ مجموعه اسعد افندی کتابخانه سلیمانیه ترکیه (به رمز عد) مورخ ۷۱۷ ق. شامل ۲۴۰۰ بیت (که نسخه اساس ایشان در تصحیح بوده است).
 ۲. نسخه دانشگاه به نشانی اف ۴۶۵ مورخ ۷۵۹ ق. (به رمز یو ۱) شامل ۲۶۰۰ بیت.
 ۳. نسخه متعلق به آقای بیانی مورخ ۷۶۸ ق. (به رمز بی) شامل ۳۲۰۶ بیت.
 ۴. نسخه دیگر دانشگاه به نشانی اف ۶۸۸ مورخ ۸۴۰ ق (به رمز یو ۲) شامل ۳۱۰۵ بیت.
 ۴. نسخه کتابخانه ملی پاریس به نشانی Supleperse ۷۹۵ مورخ ۸۴۳ ق. (به رمز پا) شامل ۳۴۶۵ بیت.
 ۵. نسخه بریتیش میوزیوم به شماره ۳۳۲۵.0r مورخ ۸۷۲ ق. (به رمز بم) دارای ۳۶۲۵ بیت.
- هشت نسخه فرعی یزدگردی:

۱. نسخه سلطان القرای (به رمز سق) شامل ۴۰۰۰ بیت.
۲. نسخه ملکی نگارنده (به رمز خص) شامل ۲۶۲۵ بیت.
۳. نسخه بریتیش میوزیوم به نشانی Or ۱۰۹۱۶ (به رمز بم) شامل ۳۰۰۰ بیت.
۴. نسخه دیگر یونیورسیتته به شماره ۱۱۲۰ (به رمز یو ۳) شامل ۲۹۰۰ بیت.
۵. نسخه کمبریج 00۶۴۶ (به رمز کج) شامل ۳۴۰۰ بیت.
۶. نسخه کتابخانه فاتح به شماره ۱۲۱-۳۸۴۲ (به رمز فح) شامل ۳۳۰۰ بیت.
۷. نسخه حالت افندی به شماره ۱۵۷ (رمز حت) شامل ۳۶۰۰ بیت.
۸. نسخه ملک به شماره ۵۰۱۶ (به رمز مک) شامل ۳۷۰۰ بیت.

باید گفت نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ و دیوان چاپی مصحح اشعاری دارند که هر یک در دیگری موجود نیست؛ دیوان چاپی ظهیر مجموعاً دارای ۲۴۰۰ بیت (۸۱ قصیده، ۱۰۶ قطعه، ۴ ترکیب‌بند، ۲ ملمع، ۱۰ غزل، ۲ مثنوی و ۱۰۰ رباعی) و یک قطعه مجزای مابقی است و در تطبیق با نسخه شماره ۱۱۹۷۷ تعداد ۲ رباعی، سه قصیده، دو قطعه و یک مثنوی (پانزده

۱. در مقابله تطبیقی ابیات، چند غلط در دیوان خطی هم دیده شد که نتیجه تسریع در کتابت و جانداختن حرفی یا نقطه‌ای از واژگان است.

بیتی) کسر دارد. در مقابل دیوان خطی مجموعاً ۲۴۲ بیت (۵۸ قصیده، ۶۴ قطعه، ۳۸ رباعی، یک ترکیب بند و یک مثنوی (۱۵ بیتی) دارد و در تطبیق با دیوان چاپی تعداد ۲۲ قصیده، ۵۴ قطعه، ۵۹ رباعی، ۳ ترکیب بند و ۲ مثنوی کسر دارد.

جدول شماره ۱. تطبیق ابیات نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ با دیوان چاپی

دیوان چاپی ظهیر (مصحح یزدگردی)	نسخه خطی ظهیر (آستان قدس رضوی)	دیوان چاپی ظهیر (مصحح یزدگردی)	نسخه خطی ظهیر (آستان قدس رضوی)
قصیده ۲۱ بیتی ش ۲؛ صفحه ۳۵: جابجایی بسیار زیاد در ابیات این قصیده با اغلاط زیاد	برگ ۵۱ (بیت ۱۵) واژه باز تصحیف شده به یار	برگ ۵۱ به مطلع: «گیتی که اولش عدم و آخرش فناست...»	قصیده ۲۱ بیتی شماره ۲؛ بیت ۱۵ صفحه ۳۵: تصحیف در واژگان: تطبیق (باز - یار)
قصیده شماره ۶، بیت ۱۳ و ۱۴؛ صفحه ۴۱: تحریف واژه	برگ ۳۷؛ بیت ۱۳ و ۱۴، واژگان صحیح: حلاوت و زبان از استثنائات (لطف)	به مطلع: گفتار تلخ از آن لب شیرین نه درخور است....»	قصیده شماره ۶ بیت ۱۳، تحریف واژه: تطبیق (زبان - دهان) (حلاوت - لطافت)
قصیده شماره ۱۳ صفحه ۵۱، بیت ۱۳: تصحیف واژگان	برگ ۴۴، بیت ۱۳ و بیت ۱۹: واژه صحیح با عبارت: «فرخنده باد و عید» (فعل فرخنده باد)	برگ ۴۴؛ مطلع: «شاهی که شیر پیش حسامش چو روبه است....»	قصیده شماره ۱۳ صفحه ۵۱: تطبیق واژه (سر - پر) و دگرگونی عبارت در بیت ۱۹
قصیده شماره ۳۷، صفحه ۹۸: بالعکس شدن واژگان	برگ ۲۱ بیت ۹ (باز این چه نقش بلعجب و شکل نادرست)	به مطلع: «چون بر زمین طلیعه شب گشت آشکار...»	قصیده شماره ۳۷: بیت ۹، معکوس شدن دو واژه (نادرست شکل) و (شکل نادرست)
قصیده شماره ۳۸، ص ۱۰۲، بیت ۱۳: فلک (برگشت)	برگ ۵۴ (از جمله استثنائات نسخه خطی درست بودن واژه و صحت معنایی بیت)	برگ ۵۴؛ مطلع: «ای ز سعی تو برافراخته سر...»	قصیده شماره ۳۸، بیت ۱۳، از ص ۱۰۲ تغییر عبارت: «بگشت خرد» به «فلک برگشت»

بررسی و تطبیق ابیات نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ با دیوان چاپی

۱. تطبیق قصیده ش. ۱۷ در دیوان چاپی، ص ۵۸، برابر با دیوان خطی، گ. ۵ و ۶.

گهی لقب نهم آشفته زنگی را حور گهی خطاب کنم مست سغله ای راراد^۱
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

۱. این بیت استثنائات در حاشیه نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ کتابت شده است.

گهی لقب نهم آشفته زنگی را حرّ گهی خطاب کنم مست سفله را راد

در مصرع اول این بیت، واژه «حرّ» به «حور» تحریف شده. واژه «حرّ» (به معنی آزاده یا آزاد) و زنگی (به معنی غلام یا برده) و «راد» (به معنی جوانمرد) با «سفله» (به معنی انسان پست) در تقابل و تضادند. البته حور (در لغتنامه دهخدا) به معنای زنان زیباروی سیاه چشم سفیداندام است و می توان گفت در مقابل زنگی به معنای سیاه روی یا زشت روی است. گفتنی است که در اینجا فقط معانی ظاهری و فیزیکی مد نظر شاعر نیست؛ بلکه تکیه بر مفهوم وسیع تری نسبت به تفاوت های فیزیکی بوده و آن تفاوت در انسانیت است. سفله بودن بارادی و جوانمردی در تقابل است. در این بیت، شاعر خویش را سرزنش کرده که چرا در شعر خویش برای آنانی که شایسته صفات نیک نیستند القاب و صفات خوب و پسندیده آورده و برعکس.

۲. تطبیق ترکیب بند ش ۲، در دیوان چاپی، ص ۲۳۵، برابر با دیوان خطی، گ. ۸.

اثر قهرت آب دریا را روز کین جرعه سراب کند
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

آتش قهرت آب دریا را روز کین خدعه سراب کند

در این بیت در هر دو مصرع تحریف و تصحیف شده، در آتش قهر - که تشبیه بلیغ هم دارد - واژه «آتش» دگرگونی کلی یافته و واژه «خدعه» تصحیف به «جرعه» شده. «آتش قهر» اضافه تشبیهی و «خدعه سراب» اضافه استعاری است. در دو واژه «خدعه» و «جرعه» تصحیف نقطه های (خ و ج) و تحریف حروف (دال به ر) معنای واژه ها را دگرگون نموده و از تصویرسازی و حس آمیزی قدرتمند شعر کاسته است.

همچنین در پانویس دیوان ظهیر به تصحیح یزدگردی (ص ۲۳۵) این بیت در (نسخه یونیورسیتته) هم به صورت: «جرعه سراب» آمده که آشکارا نادرست است. در نتیجه، این که دو واژه از میان ۱۶ نسخه بدل، تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ به صورت صحیح کتابت شده، روشن می سازد این نسخه یا اصل است یا از نسخه اصل استنساخ شده است.

۳. تطبیق قصیده ش ۵۳ در دیوان چاپی، ص ۱۲۹، برابر با دیوان خطی، گ. ۹. ر.

گفت حاصل دخل دریا و کان پردازت در حاجب خاص و عام
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

گفت حاصل دخل دریا و کان پردازت در حاجت خاص و عام

در مصرع دوم این بیت، احتمالاً به دلیل خوانش نادرست یا زیروزبر شدن نقطه ها، واژه «حاجت» به «حاجب» تصحیف شده است. توضیح بیت: شاعر از بذل و بخشش ممدوح خویش، شاه، سخن می گوید که: دست بخشنده اش حاصل دخل دریا - آنچه از آب ها به دست می آید - و کان «معادن» را به همه مردم بذل و بخشش می نماید نه فقط برای حاجبان دربارش!

در پانویس دیوان ظهیر به تصحیح یزدگری (ص ۱۲۹) واژه «حاجت» تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ به صورت صحیح ضبط و کتابت شده و در هیچ یک از نسخه بدل ها نیامده و این نیز امتیازات دیگر این نسخه است که مکرراً می بینیم واژه ای که درست تر و دقیق تر از همه واژه هاست، از بین ۱۶ نسخه بدل، تنها در نسخه خطی آستان قدس موجود است.

۴. تطبیق قصیده ش ۲۳ در دیوان چاپی، ص ۷۰، برابر با دیوان خطی، گ. ۴۰ پ.

اشتباه مطبعی اول در این ترکیب این است که «بیت ترکیب» در دیوان چاپی مصحح هم ردیف بیت های دیگر است و از بیت های دیگر ترکیب بند جدا نیست. و اشتباه مطبعی دوم این است که بیت آخر هم قافیه است و بیت ترکیب هم نیست؛ اما سهواً به عنوان بیت ترکیب جدا نوشته شده است.

۵. تطبیق قصیده ش ۲ در دیوان چاپی، ص ۳۶، برابر با دیوان خطی، گ. ۵۲.

دین هدی [از پایه سعی] تو شد قوی کار جهان به سایه عدل تو گشت راست
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

دین هدی به پستی عدل تو شد قوی کار جهان ز هیبت تیغ تو گشت راست

در این بیت تحریفات در حد عبارت است نه واژه. با وجود اینکه تحریف گاه به دلیل قریحه و ذوق کاتبان بوده است، در اینجا علاوه بر منطق زبانی شعر، وزن عروضی نیز به هم ریخته و از نظر معنایی، وجهه خویش را از دست داده است. توضیح بیت: در دیوان چاپی عبارت [از پایه سعی]، در کرونه است و مصحح با مقابله ۱۶ نسخه خطی هنوز مطمئن نبوده و نتوانسته واژه درست را از نسخ دیگر بیاید؛ لذا در پانویس آورده که: «تعبیر، ساقط شده از متن است». باید گفت در پانویس دیوان چاپی (ص ۳۶) از میان ۱۶ نسخه بدل، واژگان درست، تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ ضبط و کتابت شده است.

۶. تطبیق قصیده ش ۱۳ در دیوان چاپی، ص ۵۱، برابر با دیوان خطی، گ. ۴۴ پ.

نوروز را جلال تو فرخنده با دو عید از طلعت خجسته که او نیز همره است
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

نوروز را جلال تو فرخنده باد و عید از طلعت خجسته که او نیز همره است

در این بیت هر دو مصرع تحریف و تصحیف شده است. عبارت «فرخنده باد و عید» تحریف شده به «فرخنده با» دو عید» و واژه طلعتت به «طلعت» تصحیف شده است.

توضیح بیت این است که: نوروز از شکوه و جلال تو فرخنده باشد که از «طلعتت» عید خجسته و نمایان شده. البته نوروز از عید جدا نیست و عبارت «دو عید» بی معنی است. در این بیت، زیبایی معنایی و تشبیهات ادبی به هم ریخته، تصویرسازی چهره ممدوح که شادمانی عید از آن پدیدار شده با عبارت «از طلعت خجسته» از دست رفته و وجهه منطقی شعر، آسیب دیده است.

۷. تطبیق قصیده ش ۵۴ در دیوان چاپی، ص ۱۳۱، برابر با دیوان خطی، گ. ۴۲. پ.

ز بهر خدمتی عید خود همین قصه ست که من به نزد جهان پهلوان به قصه برم
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

ز بهر خدمتی عید خود همین قصه ست که من به بزم جهان پهلوان به تحفه برم

در مصرع دوم، تصحیف دو واژه «نزد» و «بزم» و تحریف دو واژه «قصه» و «تحفه» مدنظر است.

توضیح بیت: اولاً تکرار واژه «قصه» در یک بیت، از ضعف و عیوب شعر محسوب می شود؛ ثانیاً خدمتی عید (هدیه عید یا عیدی) را در «بزم» جهان پهلوان برند، نه «نزد»؛ چراکه عید، بزم است و تحفه یا هدیه را باید آنجا برد. اما به قصه بردن قصه، یقیناً نادرست است.

توضیح بیت این است که شاعر می گوید برای اینکه در عید به بزم جهان پهلوان تحفه عید ببرم، همین قصه (مدح و ستایش یا قصیده ام) را در جشن به تحفه (عیدی) خواهم برد.

۸. تطبیق قصیده ش ۶ در دیوان چاپی، ص ۴۱، برابر با دیوان خطی، گ. ۳۷.

تا آمده است وصف لبت در دهان من الفاظم از لطافت آن همچو شکر است
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

تا آمده است وصف لبت بر زبان من الفاظم از حلاوت آن جمله شکر است

در هر دو مصرع این بیت تحریف وجود دارد: در مصرع اول، واژه «زبان» به «دهان» و در مصرع دوم «حلاوت» به «لطافت» و «همچو» به «جمله».

در توضیح این بیت باید گفت که اولاً وصف بر زبان می آید نه بر دهان؛ ثانیاً حلاوت و شیرینی با هم مراعات نظیر دارند اما شیرینی با لطافت ارتباطی ندارد.

همچنین در پانویس دیوان چاپی (ص ۴۱) از میان ۱۶ نسخه بدل، تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ (بیت ۱۳، گ. ۳۷) واژه های این بیت درست کتابت شده اند.

۹. تطبیق قصیده شماره ۴ در دیوان چاپی، ص ۳۹، برابر با دیوان خطی، گ. ۵۶ و ۵۷.

همیشه تا ز شفق روی چرخ سیمابی به سان خنجر رستم ز خون سرخاب است
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

همیشه تا ز شفق روی چرخ سیمابی به سان خنجر رستم ز خون سهراب است

در مصرع دوم این بیت، واژه «سهراب» به «سرخاب» تحریف شده و کل معنای بیت را دگرگون کرده است. اولاً واژه «شفق» خود می رساند که افق سرخابی رنگ است و نیازی به واژه «سرخاب» برای رنگ خون نیست. تحریف واژه «سهراب»، در

شعر تا حد زیادی، زیبایی شعری و تصویرسازی جلوه تراژدی (حماسی-تاریخی) شعر را محو کرده و با تحریف یک واژه، تجانسات شعری از دست رفته است.

۱۰. تطبیق قصیده ش ۳ در دیوان چاپی، ص ۳۷ و ۳۸، برابر با دیوان خطی، گ. ۶۱. پ.

ور کمین فنا گشاده شود دولت را ضمان دفع فناست
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

ور کمین فنا گشاده شود دولت در ضمان دفع بلاست

در مصرع دوم این بیت، واژه «بلا» به «فنا» - شاید به دلیل بدخوانی یا کم سوادی کاتب - تحریف شده است. گفتنی است اولاً تکرار از عیوب شعر است؛ ثانیاً فنا و بلا در اینجا تقابل شعری دارند؛ ثالثاً منطق بیانی شعر از دست رفته است. رابعاً «دفع بلا کردن» با معناست و «دفع فنا کردن» بی معناست.

توضیح بیت این است که اگر نابودی و فنا در کمین ما باشد، دولت با اقتدار تو برای ما ضمانت دفع بلا خواهد بود. در پانویس دیوان چاپی (ص ۳۷) عبارت «دفع بلاست» منحصرأ در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ کتابت شده که شاهدهی بر درستی ضبط واژه‌ها و اصالت نسخه است.

۱۱. تطبیق قصیده ش ۹ در دیوان چاپی، ص ۴۶، برابر با دیوان خطی، گ. ۴۰.

ور نگنجد سخن او ز لطایف به حساب زین سبب حکم درین لازم جذر اصم است
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

ور نگنجد سخن او ز لطایف به حساب زین سبب حکم کری لازم جذر اصلم است

در مصرع دوم این بیت، واژه «کری» به «درین» تحریف شده است.

آشکار است که کلمه «اصم» یعنی (لال) با «کری» تقابل دارد. شاعر از منطق و لازمه یک جذر گفته و استدلال می‌کند «کر» بودن، لازمه اش لال شدن است؛ پس کری و لالی لازم و ملزوم‌اند.

در پانویس دیوان چاپی (ص ۵۸) تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ واژه درست کتابت شده و بین شانزده نسخه بدل، هیچ واژه و معادل درستی ثبت نشده است.

۱۲. تطبیق قصیده ش ۷۲ در دیوان چاپی، ص ۱۶۴، برابر با دیوان خطی، گ. ۳۰.

زَنار بست، خصم تو، چون دید کز ظفر تو داغ بر جبین مه و خور نهاده‌ای
که در نسخه خطی به این صورت آمده است:

زَنار بست، خصم تو چون دید کز ظفر تو خاج بر جبین مه و خور نهاده‌ای

در مصرع دوم بیت بالا واژه «خاج» به «داغ» تحریف شده که دلیل بر کم سوادی کاتب و بی توجهی به معنای بیت است. واژه‌های زَنار (کمر بند مسیحیان) و «خاج» (چلیپا یا صلیب مسیحیان) و (مه و خور) تجانس شعری و (خصم و ظفر) تقابل و تضاد دارند.

توضیح بیت: دشمن هنگامی که پیروزی تو را دید از حسادت زَنار بر کمر بست؛ چون تو به رسم مسیحیان بر جبین خویش به کنایه از پیروزی صلیب نهاده‌ای. ضمن اینکه عبارت «داغ» بر جبین نهادن به هنگام ظفر یافتن نادرست بوده و منطق بیانی بیت به هم ریخته و استعاره و تشبیه دگرگون شده است.

در پانویس دیوان چاپی (ص ۱۴۱) به جای «خاج» کلمات: «تاج، خاک و نخ» (در ۲ نسخه یونیورسیتته) ضبط شده که به وضوح درست نیست. رعایت تناسبات و اصالت شعر ظهیر از میان ۱۶ نسخه بدل تنها در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ رعایت شده است.

در خاتمه اشاره می‌کنم که ابیات دیگری نیز با تحریف و تصحیف فراوان وجود داشت که به دلیل اطاله کلام از بیان آن‌ها در این مبحث صرف نظر شد.

نتیجه‌گیری

با تطبیق، تحلیل و توصیف واژگانی و معنایی ابیات دیوان چاپی و نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ از دیوان ظهیر آشکار شد که نسخه خطی نه تنها نسخه‌ای کهن و اصیل است بلکه از جنبه امانت داری و صحت و سلامت واژگان متن و دور بودن از الحاقات شعری بر نسخه‌های دیگر امتیازات زیادی دارد.

همچنین با دقت در پانویس‌های مهم دیوان چاپی آشکار شد که نسخه خطی به احتمال قریب به یقین در حیات ظهیر کتابت شده و کتابت نسخه هم به دست کاتبی دانشمند و آگاه انجام شده و این قدر و ارزش نسخه را دوچندان نموده است و علاوه بر آن، این نسخه تا حدود زیادی خالی از هرگونه نارسایی معنایی و ضبط نادرست واژگانی و اشکال املائی است.

در تطبیق اشعار نسخه خطی با دیوان موسی الانصاری مشخص شد که نسخه خطی دور از الحاقات شعری و خلط اشعار دیگر شاعران است. در تطبیق قصیده مدمع نسخه خطی و نسخه بدل‌ها با دیوان چاپی مصحح، معلوم شد تنها قصیده موجود در نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ خالی از تحریف واژگانی است. در تطبیق واژگانی نسخه خطی با سه اثر لباب الالباب، نزهة المجالس و نفثة المصدور، اعتبار نسخه مسجل شد.

نتیجه این که مصحح به دلیل گزینش نادرست نسخه اساس، خواه ناخواه الحاقات شعری و اشکالات بسیاری به متن وارد کرده است. همچنین در پاورقی‌های مصحح از نسخه بدل‌ها جز نسخه یونیورسیتته که گهگاه واژه‌های صحیح مشترک با نسخه خطی شماره ۱۱۹۷۷ داشت، واژه‌های نادرست کم نیست و اصالت شعر ظهیر در جاهای زیادی از دست رفته است؛ بنابراین نگارنده ضروری می‌داند تصحیح جدیدی از این دیوان به دور از اغلاط و الحاقات شعری به انجام برسد.

منابع

- فاریابی، ظهیر. (۱۳۸۸ ش). دیوان ظهیر فاریابی. تصحیح و مقدمه محسن آثارجوی. تهران: سنایی.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۱ ش). «نسخه برگردان سفینه تبریز». نامه بهارستان، س ۳ (ش ۱)، صص ۸۸-۹۸.
- فاریابی، ظهیر. (۱۳۶۱ ش). دیوان حکیم ظهیرالدین فاریابی. (افست از چاپ سنگی). به تصحیح موسی انصاری. تهران: مطبعه دارالخلافة تهران.
- فاریابی، ظهیر. (۱۳۸۹ ش). دیوان ظهیر فاریابی. تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. تهران: نگاه.
- فاریابی، ظهیر. (۱۳۳۷ ش). دیوان ظهیر فاریابی. به کوشش تقی بینش. مشهد: کتابفروشی باستان.
- تاکی، مسعود. (۱۳۸۸ ش). «اشعار تازه یافته ظهیرالدین فاریابی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۱۴۰، صص ۴۴-۴۶.
- جامی، عبدالرحمان بن احمد. (۱۳۷۹ ش). بهارستان و رسائل جامی. مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد، محمدجان عمراف و ابوبکر ظهورالدین. تهران: میراث مکتوب (با همکاری مرکز مطالعات ایرانی).
- جویی، ع.ع. (۱۳۵۵). تاریخ جهانگشای جویینی. (ع. قزوینی، ویراستار). لیدن: مطبعه بریل.
- جلال پور، حسین. (۱۳۹۴ ش). «دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز». متن شناسی ادب فارسی. دوره جدید (ش ۲۵)، صص ۹۳-۱۱۴.
- خزندری زیدری نسوی. (۱۳۹۴ ش). نفثة المصدور. تصحیح و توضیح امیرحسن یزدگردی. تهران: توس.
- دولتشاه سمرقندی. (۱۳۳۷ ش). تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی. به تحقیق و تصحیح محمد عباسی. تهران: کتابفروشی بارانی.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۸ ش). دیوان ظهیر فاریابی، تهران: سنایی.
- سمیع زاده، رضا. (۱۳۹۷ ش). «تأملی در متن دیوان ظهیرالدین فاریابی». نامه فرهنگستان. ش ۱۷، (۶۵)، صص ۱۱۴-۱۴۲.
- شانظری، علیرضا و سالاری، قاسم. (۱۴۰۲ ش). «تأملی در تصحیح دکتر امیرحسن یزدگردی از دیوان ظهیر فاریابی با تکیه بر نسخه حکیم اوغلو». متن شناسی ادب فارسی، ۱۵، ش ۳ (۵۹)، صص ۷۳-۸۸.
- شروانی، جمال خلیل. (۱۳۷۵ ش). نزهة المجالس. تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی. تهران: علمی.
- شریفی صبحی، محسن. (۱۳۹۴ ش). «نکاتی درباره تصحیح دیوان ظهیر فاریابی»، نقد کتاب میراث، ش ۸، صص ۵۳ تا ۶۰.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳ ش). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲. تهران: فردوسی.
- عوفی، محمد. (۱۳۸۹ ش). لباب الالباب. به کوشش سعید نفیسی. تهران: پیامبر.
- کیوانی، مجدالدین. (۱۳۹۱ ش). «تصحیح یا تخریب؟». گزارش میراث. ش ۳، صص ۱۱۴-۱۱۹.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹ ش). نقد و تصحیح متون. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مستوفی، حمد الله. (۱۳۶۴ ش). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- میرافضلی، سید علی. (۱۳۸۱ ش). «خوب است ولی بهتر ازین بایستی». نشر دانش، ۱۹ (ش ۱۰۵)، ۴۵-۵۲.
- افشین وفایی، محمد. (۱۳۹۴). «پژوهشی در احوال و آثار شمس سجاسی (بر اساس منشآت منتشر نشده او)»، آینه میراث. ۱۳، (۵۶)، صص ۹-۳۲.
- فاریابی، ظهیر. (۱۳۸۱ ش). دیوان ظهیرالدین فاریابی. تصحیح، تحقیق و توضیح امیرحسن یزدگردی. به اهتمام اصغر دادبه. تهران: قطره.